

قانون اساسی و سرگذشت رئیس جمهور

دکتر سیدجلال الدین مندی

نگاهی دقیق و آهسته بر مواد مربوط به ریاست جمهوری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ما را با گوشه‌ها و زاویه‌هایی از این مقوله مهم آشنا می‌سازد که در نگاه سطحی و پرشنان ایام دچار کدورت و مسامحه گردیده‌اند. اسلام دموکراتیک دموکراسی اسلامی پدیده‌ای بود که با وقوع انقلاب اسلامی ایران در قاموس سیاسی نمایان گردید و طرح یک نظام سیاسی دینی منکی بر آراء عمومی پی‌افکنده شد. اما اکنون که مردم ایران تجربه مسئولیت پنجمین رئیس جمهور کشورشان را پشت سر گذاشته‌اند، گویی که با دقت و حوصله بیشتری به ششمین رئیس جمهور خود می‌اندیشند و تنوع نامزدهای احتمالی آینده برای احراز این مسئولیت انعکاس پیش‌روی داشتن تحولاتی تازه است. نوشتار حاضر شما خواننده گرامی را با ابعاد شکلی و محتوایی مقوله ریاست جمهوری از منظر قانون اساسی آشنا می‌سازد. امید است مورد توجه و استفاده شما قرار گیرد.



طبق اصل صدوسیزده قانون اساسی، پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را - جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود - برعهده دارد. به این ترتیب رئیس جمهور به عنوان دومین مقام رسمی کشور، ریاست قوه مجریه را برعهده دارد اما این ریاست تمامی امور اجرایی کشور را شامل نمی‌شود بلکه امور اجرایی واقع در حوزه اقتدارات و اختیارات رهبری از شمول ریاست جمهوری خارج است. باینکه در خصوص قوه مجریه کشور ما بسیاری از اصطلاحات مربوط به قوانین اساسی مغرب زمین به کار رفته است. اما این اصطلاحات به لحاظ معنا و مفهوم با اصل این اصطلاحات در غرب تفاوت بنیادی دارند؛ در واقع قوه مجریه ما نه در قالب قوه مجریه ریاستی جای می‌گیرد و نه شکل قوه مجریه پارلمانی را دارد، بلکه قوه مجریه‌ای

است که اقتدار رهبری در رأس همه مسائل قرار دارد، اما در عین حال رئیس جمهور با جلب نظر رهبری از وظایف و اختیارات وسیعی برخوردار است و این وظایف تا به آن حد پیش می‌رود که امکان دارد با تفویض مقام رهبری بخشی از اقتدارات آن مقام را هم دربرگیرد. بیش از چهل اصل^۱ قانون اساسی به تبیین اعمال قوه مجریه از طرف رئیس جمهور مربوط می‌شود و بسیاری از دیگر اصول قانون اساسی نیز از لحاظ اجرا در حوزه مواظبت، پاسداری و مسئولیت رئیس جمهور قرار دارند. مسئولیتی که در خصوص اجرای قانون اساسی بر عهده رئیس جمهور گذاشته شده است، تمام یکصد و هفتاد و هفت اصل قانون اساسی را دربرمی‌گیرد. در اصلاحات سال ۱۳۶۸ قانون اساسی، وظیفه تنظیم روابط قوای سه‌گانه که قبلاً به عهده رئیس جمهور بود، جزو مسئولیتهای مقام رهبری واقع شد. اما باین وجود رئیس جمهور به طور مستقیم مسئول همه امور اجرایی است که به وسیله وزیران یا معاونان او به انجام می‌رسد. وظایف رئیس جمهور در قانون اساسی ذکر گردیده است اما جزئیات کار و روشهای عملی به شخصیت، تواناییها، استعداد و تفکر رئیس جمهور منتخب بستگی دارد. در واقع اهمیت انتخاب از جانب ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز از همین جا معلوم می‌گردد؛ چون رئیس جمهور است که باید مصالح و منافع ملت و مملکت را در جزء جزء مسائل اجرایی کشور در نظر گیرد و وزرای کارآمد و مناسب را برگزیند و سازماندهی نماید و در تایید لوایح، پشتیبانی اکثریت نمایندگان مجلس را به همراه داشته باشد.

برطبق اصل اول قانون اساسی، حکومت ایران، جمهوری اسلامی است و برابر اصل ششم این قانون، در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی و از راه انتخابات اداره شود. مطابق اصل صد و چهارده، رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود. به موجب اصل صد و شانزده، نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری انتخابات را قانون معین می‌کند. طبق اصل

صد و نوزده، انتخاب رئیس جمهور جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد و در اصل صد و هیجده تصریح شده است که «مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری بر عهده شورای نگهبان است» و به موجب اصل صد و هفده رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت کنندگان انتخاب می‌شود. اما هرگاه در دوره نخست هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی را به دست نیاوردند، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رای گیری خواهد شد. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدهای حائز اکثریت آراء، در دور نخست شرکت خواهند کرد اما چنانچه برخی نامزدهای دارنده آراء بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیشتر از دیگران رای آورده‌اند، برای انتخابات مجدد معرفی خواهند شد و هرگاه در فاصله ده روز پیش از رای گیری یکی از نامزدهایی که صلاحیت او طبق قانون احراز شده است، فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر خواهد افتاد. اگر در فاصله میان دور نخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست فوت کند، مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید خواهد شد. در فاصله میان انتخاب رئیس جمهور جدید و پایان دوره ریاست جمهوری سابق، رئیس جمهور پیشین وظایف ریاست جمهوری را انجام خواهد داد. رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی واجد شرایط (ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه، امانت، تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور) باشد. صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تایید شورای نگهبان برسد. قانون اساسی اصول مربوط به انتخاب رئیس جمهور را بیان کرده و نحوه برگزاری انتخابات را به عهده قانون عادی گذاشته است.

شرایط کاندیدای ریاست جمهوری

از آنجاکه رئیس جمهور وظایف سنگینی را برعهده دار است، قانون اساسی برای کاندیداها شرایطی را در نظر

گرفته و مرجع تشخیص واجد شرایط بودن یا نبودن آنها شورای نگهبان است. رسیدگی به صلاحیت کاندیدا، یعنی احراز برخورداری وی از شرایط پیش بینی شده در اصل صدویانزده می باشد که عبارتند از:

الف- از جمله رجال مذهبی و سیاسی کشور باشد؛ خود همین عبارت قابل تجزیه به چندین شرط است؛ چه اولاً باید از رجال باشد؛ بنابراین مرد بودن اولین شرط کاندیدا است (گرچه کلمه رجال مذهبی و سیاسی می تواند زنان نامدار و مشهور از حیث سیاست و مذهب را نیز در بر بگیرد، اما هنوز از طرف شورای نگهبان تفسیری روشن و قاطع در این خصوص ارائه نشده است)؛ ثانیاً کاندیدا باید از مردان سیاسی باشد، یعنی گرچه همه افراد در زندگی سیاسی سهیم اند، اما چنین فردی باید شخصیتی برجسته و صاحب عنوان از لحاظ سیاسی باشد؛ به عبارتی، سوابق کار و خدمات و مشاغلی که فرد مذکور در تصدی امور داشته و یا نظریاتی که در مسائل سیاسی ابراز نموده و نیز شناختی که مردم از افکار، عقاید، درجات علمی، تحقیقات، مطالعات و سخنرانیها یا مقالات او دارند، می تواند معرف سیاسی بودن او باشد؛ ثالثاً فرد کاندید باید از حیث مذهب نیز شناخته شده و دارای احترام و اعتبار باشد؛ یعنی شخصیتی صاحب تشخیص و اراده در زمینه اصول اعتقادی باشد. رجل مذهبی بودن به این معنا نیست که نامزد ریاست جمهوری لزوماً باید از فقها و مجتهدان بوده و از سوابق تحصیل علوم اسلامی در حوزه های علمیه برخوردار باشد، بلکه کافی است وی شخصیتی استوار و محکم در اصول اعتقادی اسلامی بوده و از لحاظ فرائض و محرمات، متعبد و فاقد نقطه ضعف انحرافی باشد.

ب- ایرانی الاصل باشد: باتوجه به این که کلمه «اصل» معانی پدر، نژاد و خاندان را نیز در بر دارد، می توان گفت داوطلب ریاست جمهوری باید از حیث نژاد، ریشه و عقاب ایرانی باشد؛ به عبارتی، کسی که جد او از سرزمین دیگری به ایران آمده و در ایران متوطن شده است، نمی تواند کاندید گردد. اما با در نظر گرفتن این که قانون اساسی بر مدار موازین اسلامی تدوین گردیده است، به نظر نمی رسد شرط مذکور دقیقاً چنین اهمیت و اولیوی را برای نژاد قائل شده باشد، بلکه منظور باید به این صورت لحاظ گردد که کاندیدا تابعیت اصلی ایرانی - و نه تابعیت اکتسابی - داشته باشد؛ یعنی به هنگام تولد برابر قوانین ایران صفت ایرانی را داشته و تابعیت ایران را از زمان تولد احراز کرده باشد؛ ضمن آنکه به چنین شخصی عرفاً و نیز از حیث حقوق بین الملل خصوصی ایرانی الاصل اطلاق می شود.

ج- تابع ایران باشد: این شرط ناظر به وضع فعلی کاندیدا است که باید رابطه تابعیت را با ایران حفظ کرده باشد؛ زیرا ممکن است افرادی ایرانی الاصل باشند اما تابعیت فعلی ایران را نداشته باشند. چنین افرادی قطعاً نمی توانند کاندیدا شوند.

د- شرط مدیریت: کسی که داوطلب اداره کشور است، باید در این امر توانا باشد و برای تحقق این شرط لازم نیست کاندیدا مورد امتحان قرار گیرد یا لزوماً مدرکی دال بر سوابق تحصیلی و یا مشاغل مدیریتی در

سطوح عالی کشور ارائه نماید.

هـ- مدیر بودن: کاندیدای ریاست جمهوری باید آینده نگر باشد؛ همچنین باید بتواند اوضاع و احوال آینده را در تصمیمات منظور دارد و به ویژه در روابط خارجی که پیوسته در حال تحول است و مواضع کشورها همواره فرازونشیب دارد، بینش و شناخت واقعی داشته باشد.

و- حسن سابقه و امانت: ریاست جمهوری، امانتی است که به یک رئیس جمهور سپرده می شود و لذا چنین شخصی به لحاظ سوابق نباید تیرگی و تاریکی داشته باشد؛ تا امید آن برود که به خوبی این امانت را نگهداری خواهد کرد.

ز- مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور: وقتی کسی از رجال مذهبی شناخته شد، طبعاً این شرط را واجد است و نمی تواند از آن دور باشد.

ح- تقوا: کاندیدا باید به واقع خداترس بوده و تقوا را با تمام ابعاد آن دارا باشد. در واقع همین یک شرط اگر در شخصی احراز شود، رسیدگی به دیگر شرایط جنبه فرعی خواهد داشت؛ زیرا شخص باتقوا هنگامی در این وادی قدم می گذارد که همه شرایط را بسنجد و اعلام آمادگی نماید. در واقع اعلام آمادگی شخص باتقوا منتهی به ارزیابی تواناییها و استعدادهای لازم برای تصدی چنین مقامی است و او با این سنجش و اطمینان داوطلب می گردد.

اصول لازم الاتباع در انتخابات ریاست جمهوری

قوانین عادی مربوط به انتخابات ریاست جمهوری با تفصیل در چارچوب اصول قانون اساسی ذکر گردیده و مراحل انتخابات در مفاد آن کاملاً مشخص شده اند:

الف - اصل نظارت شورای نگهبان: نظارت شورای نگهبان بر انتخابات به اندازه ای اهمیت دارد که در قانون اساسی به آن تصریح شده است (اصول ۹۹ و ۱۱۸). این نظارت که قابل تغییر و تبدیل و یا انتقال نیست، تمام مراحل انتخابات را از ابتدا تا انتها در بر می گیرد و بر این اساس شورای نگهبان می تواند در جریان انتخابات موارد انحراف از قانون را به مجریان انتخابات تذکر دهد و در هر مورد - چه مستقیم و یا غیرمستقیم - انحرافات مورد نظر را به وسیله گروه ناظران، در راستای قانون کنترل کند و چنانچه در اجرا، متوجه انحرافات شد و یا تذکرات موثر واقع نگردد، چون مسئولیت نظارت بر انتخابات را برعهده دارد، می تواند انتخابات را متوقف و یا ابطال نماید. اعلام نظر شورای نگهبان در تأیید یا توقف یا ابطال انتخابات - که طبعاً براساس تحقیق و رسیدگی و دلیل کافی خواهد بود - قطعی و غیرقابل تجدیدنظر است. کار شورای نگهبان وظیفه ای خطیر و برخوردار از جنبه های سیاسی، قضایی، اجرایی و کارشناسی است که به لحاظ وضع خاص شورای نگهبان، به این نهاد واگذار شده تا اطمینان و اعتماد عموم بر صحت انتخابات تضمین گردد.

ب- اصل یک درجه بودن انتخابات: انتخابات ریاست جمهوری، یک درجه و مستقیم است؛ یعنی هر

رای دهنده فقط به یک نفر رای می دهد. اصل یک درجه بودن در اصل صدوچهارده تصریح شده و قوانین مجلس نمی تواند از آن عدول نماید.

ج- اصل برگزاری انتخابات قبل از دوره ریاست جمهوری: نظر قانون اساسی این است که هیچ عاملی حقوق مردم را تعطیل نکند و رئیس جمهور با پایان گرفتن دوره چهارساله ریاست جمهوری را ترک گوید و اختیارات را رسماً به منتخب جدید بسپارد؛ بنابراین پیش بینی شده است که حداقل یکماه پیش از پایان دوره، انتخابات باید انجام بگیرد و رئیس جمهور جدید مشخص شود؛ اعم از این که خود او و یا شخص دیگری برای دومین دوره انتخاب شده باشد. با قانون عادی نمی توان در این اصل و سایر اصول تغییری ایجاد نمود.

د- اصل تعدد نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری: معنی انتخاب این است که یک نفر از بین چند نفر برگزیده شود و چنانچه تعداد افراد داوطلب فقط یک نفر باشد، انتخابات صورت نخواهد گرفت. اصول صدوشانزده، صدوهفده و صدویست مقرر داشته اند که نامزدهای ریاست جمهوری باید رسماً آمادگی خود را قبل از شروع انتخابات اعلام دارند و در دور نخست رای گیری اگر هیچ یک اکثریت مطلق را به دست نیاورند، دو نفر حائز بیشترین تعداد آراء، در دور دوم شرکت خواهند کرد و اگر یکی از نامزدها فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر خواهد افتاد. بنابراین در هیچ زمانی انتخابات فقط با یک نفر برگزار نخواهد گردید و شورای نگهبان نمی تواند با انجام چنین انتخاباتی موافقت کند؛ چراکه داوطلب شدن فقط یک نفر، نشانه عدم سلامت انتخابات و غیرعادی بودن وضع خواهد بود.

علاوه بر این، محیط برگزاری انتخابات باید آزاد و سالم بوده و همه مردم مطمئن باشند که برگزارکنندگان انتخابات نظر خاصی جز اعلام رای مردم ندارند. در انتخابات باید افراد واجد شرایط متعددی با استفاده از حقوق مساوی، داوطلبی خود را اعلام و به معرفی خویش بپردازند. این افراد پس از آغاز تبلیغات، حتی اگر احساس کنند وزنه رای یکی از داوطلبان سنگین و رقابت با او مشکل است، باید منتظر تصمیم ملت بمانند.

هـ - انتخاب با اکثریت مطلق: گرچه قانون اساسی نحوه برگزاری انتخابات را بر عهده قانون عادی گذاشته است اما پاره ای از موارد مهم نیز در خود قانون اساسی مشخص شده اند؛ از جمله می توان به تأکید قانون اساسی بر کسب اکثریت مطلق آراء از سوی نامزدهای ریاست جمهوری - با هدف قطعی بودن برخورداری رئیس جمهور منتخب از پشتوانه قوی مردمی - اشاره کرد. بدین منظور، لازم است افراد داوطلب ابتدا نظر مردم را ارزیابی کنند و در صورت احتمال تحصیل آراء زیاد، در انتخابات شرکت کنند. یک داوطلب باید اکثریت مطلق، یعنی بیش از نصف آراء را به دست آورد. اگر در مرحله اول یکی از نامزدها نتواند چنین اکثریتی را حائز گردد، جمعه هفته بعد برای بار دوم انتخابات انجام خواهد شد و این بار فقط دو نفر نامزد حائز اکثریت



در دور نخست، با یکدیگر رقابت خواهند کرد. در این مرحله، هر کس آراء بیشتری را نسبت به دیگری به خود اختصاص دهد، رئیس جمهور منتخب خواهد بود؛ حتی اگر تعداد آراء او به نسبت انتخابات مرحله اول کمتر باشد. در واقع چون در این مرحله فقط دو نفر شرکت می‌کنند، برای نفر منتخب حتی با آراء کم اکثریت مطلق حاصل می‌شود.

و- اصل برگزاری قانونی انتخابات: انتخابات باید دقیقاً بر طبق قانون برگزار شود. ماموران اجرایی باید صلاحیت لازم قانونی را دارا باشند. تمام مراحل انتخابات را قانون عادی معین می‌کند. در قوانین موجود، انجام انتخابات از طریق وزارت کشور، تحت نظارت شورای نگهبان، طی چند مرحله و با جدول زمان‌بندی شده انجام می‌شود. در مرحله اول مقدمات کار انتخابات فراهم می‌گردد.^۲ در مرحله دوم کاندیداها داوطلبی خود را به صورت ثبت نام اعلام می‌کنند و صلاحیت آنها مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.^۳ در مرحله سوم تبلیغات انتخاباتی نامزدها با استفاده از صداوسیما و نیز به طرق دیگر انجام می‌پذیرد.^۴ در مرحله چهارم در روز معین اخذ رای و سپس شمارش آراء صورت می‌گیرد.^۵ در مرحله پنجم با رسیدگی به شکایات و اعتراضات وارده نتیجه نهایی اعلام می‌گردد و اعتبارنامه رئیس جمهور به وسیله شورای نگهبان تهیه^۶ و سپس با امضاء حکم ریاست جمهوری از جانب رهبر - که به معنی

تنفیذ است - مساله انتخابات پایان می‌پذیرد. همه این مراحل با تمام جزئیات در قانون پیش بینی شده است و هر یک از ماموران که سهم و تکلیفی در این جریان برعهده دارند، باید در حدود قانون وظیفه خود را به انجام رسانند.

شورای نگهبان مکلف است ظرف یک هفته و در صورت لزوم حداکثر ظرف ده روز پس از دریافت نتیجه انتخابات ریاست جمهوری از وزارت کشور، نظر قطعی و نهایی خود را از طریق وزارت کشور به اطلاع عموم برساند. سپس اعتبارنامه برای تنفیذ به مقام رهبری تقدیم می‌شود. رویه بر این است که در جلسه‌ای متشکل از مسئولان کشور - که جریان آن از سیمای جمهوری اسلامی پخش می‌شود - رئیس جمهور منتخب به حضور رهبر رسیده و پس از سخنرانی‌هایی که صورت می‌پذیرد، حکم امضاء شده را دریافت می‌دارد. از ظاهر عبارت بند نهم اصل صدوده قانون اساسی چنین به نظر می‌رسد که امضاء حکم ریاست جمهوری از وظایف مقام رهبری است. بنابر رویه‌ای که از زمان رهبر فقید انقلاب (ره) معمول گردیده است، حکم رئیس جمهور از سوی رهبر تنفیذ می‌گردد و تصریح می‌شود این تنفیذ تا زمانی است که عمل بر طبق موازین اسلام باشد. این موضوع به تنفیذ جنبه موضوعیت بخشیده و مشروعیت بخشی را جزء اختیارات رهبری قرار می‌دهد.

بنابر رویه‌ای که از زمان رهبر فقید انقلاب (ره) معمول گردیده است، حکم رئیس جمهور از سوی رهبر تنفیذ می‌گردد و تصریح می‌شود این تنفیذ تا زمانی است که عمل بر طبق موازین اسلام باشد. این موضوع به تنفیذ جنبه موضوعیت بخشیده و مشروعیت بخشی را جزء اختیارات رهبری قرار می‌دهد

مراسم سوگند رئیس جمهور

پس از دریافت حکم ریاست جمهوری، مراسم رسمی ادای سوگند در مجلس شورای اسلامی با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان انجام می‌گیرد. متن سوگند چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحیم - من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت‌هایی که برعهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم، در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.»

الفاظ و کلماتی که در این سوگندنامه به کار گرفته

سوگند رئیس جمهور:
«بسم الله الرحمن الرحيم
من به عنوان رئیس جمهور در
پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت
ایران به خداوند قادر متعال سوگند
یاد می کنم که پاسدار مذهب رسمی
و نظام جمهوری اسلامی و
قانون اساسی کشور باشم و همه
استعداد و صلاحیت خویش را در راه
ایفای مسئولیتهایی که برعهده
گرفته ام به کار گیرم و خود را وقف
خدمت به مردم و اعتلای کشور،
ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق
و گسترش عدالت سازم و از هرگونه
خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و
حرمت اشخاص و حقوقی که
قانون اساسی برای ملت شناخته
است حمایت کنم، در حراست از
مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی
و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی
دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و
پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار
علیهم السلام قدرتی را که ملت
به عنوان امانتی مقدس به من سپرده
است همچون امینی پارسا و فداکار
نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت
پس از خود بسپارم.»

شده اند. بر سنگینی بار مسئولیتی دلالت دارند که به
دوش رئیس جمهور گذاشته می شود و بهتر است
کسانی که داوطلب چنین مقامی می شوند،
قبل از هر چیز مروری بر این سوگندنامه داشته باشند و
شخصی هم که پس از طی مراحل در این مقام قرار
می گیرد، هر اقدام و تصمیم خود را با متن این سوگند
تطبیق دهد.

وظایف ریاست جمهوری

رئیس جمهور مطلوب، شخصیتی است که
قانون اساسی را به خوبی در تمام ابعادش بشناسد و از
توان اجرای آن در حد مطلوب برخوردار باشد. دوره
ریاست جمهوری چهارسال تعیین شده است و
رئیس جمهور یک ماه قبل از شروع فعالیت باید در
انتخابات عمومی و مستقیم و با رای مخفی اکثریت
مطلق رای دهندگان برگزیده شده باشد.

با این تدبیر، معمولاً نباید فاصله ای بین دوره قبل و
بعد پدیدار گردد؛ اما این خواسته در عمل همیشه
ممکن نیست. با تمام برنامه ریزیهایی که می شود و بنابر
جهت غیرقابل پیش بینی، با فرضهای مختلفی ممکن
است رئیس جمهور جدید تا پایان دوره همچنان انتخاب
نشده باشد. به عنوان مثال ممکن است به خاطر جنگ،
اشغال نظامی و یا حوادثی چون زلزله، سیل و ابتلاء
عمومی انتخابات قابل انجام نباشد یا در چند نوبت
به لحاظ تامین عدم صحت، انتخابات ابطال یا متوقف
گردد و شروع مجدد آن به تناسب مهلهای الزامی، به
تعویق بیفتد و یا حوادثی برای نامزدهای انتخاباتی پیش
آید که بر طبق اصل صدویست، برگزاری انتخابات
مجدد چندین هفته به تأخیر افتد یا به دلیل نبودن
اکثریت مطلق، طبق اصل صدوهفده، انتخابات به دور
دوم کشیده شود و در دور دوم نیز چند مرتبه معطل
بماند و یا داوطلبی که از مراحل مختلف گذشته در
جریان انتخاب استعفا بدهد یا فوت کند و یا مقام رهبری
با اطلاع از جریاناتی غیرمرئی حکم ریاست جمهوری
منتخب را تنفیذ ننماید. به هر حال همه این شقوق
ممکن است پس از پایان دوره ریاست جمهوری برای
انتخاب جدید خلالتی را باعث گردند که مانع از
شکل گیری وضع عادی برای انتخاب متصدی جدید
گردد (البته در بیست و پنج سال گذشته همواره طبق
قانون اساسی به موقع و یکماه قبل از پایان دوره
رئیس جمهور جدید مشخص و معین بوده است).
به هر حال در هیچ اوضاع و احوالی پس از چهار سال
رئیس جمهور نمی تواند این مقام را در اختیار داشته
باشد. مگر آن که مجدداً برای مرتبه دوم - و فقط برای
مرتبه دوم، نه بیشتر - انتخاب شده باشد. مجلس شورای
اسلامی ممکن است هر چند به صورت نادر و با اشکال
زیاد، به اتکای اصل شصت و هشت، بعد از پایان دوره
همچنان به کار خود ادامه دهد، اما ریاست جمهوری
نمی تواند در پایان دوره، بدون انتخابات جدید، حتی یک
روز بیش از چهار سال باقی بماند؛ ولو این که جانشین وی
انتخاب نشده باشد؛ بلکه در چنین شرایطی، جانشین یا
کفیل ریاست جمهوری برای مدتی موقت با شرایطی در

این سمت قرار خواهد گرفت.

اولین وظیفه رئیس جمهور منتخب در اجرای
مسئولیت ریاست جمهوری پس از ادای سوگند، انتخاب
همکاران است. قوه مجریه در بخشی که ریاست آن با
رئیس جمهور است، به افرادی متعهد و کارآمد و
متخصص نیاز دارد. قسمت عمده امور اجرایی کشور
بین وزارتخانه ها تقسیم می گردد و مسئول هر وزارتخانه
عنوان وزیر را دارد. وزرا باید از جانب رئیس جمهور، با
رعایت همه جوانب، برگزیده شده و برای اخذ رای اعتماد
به مجلس معرفی گردند. کار این دسته همکاران برای
شروع مشکل تر از دسته دیگری است که رئیس جمهور
مستقیماً بدون جلب موافقت مجلس آنها را انتخاب
می کند. در واقع گروه اخیر معاونان و مشاورانی هستند
که می توانند قبل از دسته اول انتخاب شوند و شناسایی
و انتخاب وزرا با کمک آنها انجام پذیرد.

انتخاب معاون اول و دیگر معاونان و مشاوران و
سرپرستهای پاره ای از امور اجرایی که اداره آنها مستقیماً
با رئیس جمهور است، بدون دخالت مجلس صورت
می گیرد و مسئولیت آنها با شخص رئیس جمهور است.
رئیس جمهور وزرا را برحسب تعداد وزارتخانه ها به
مجلس معرفی می کند و طبق آیین نامه داخلی مجلس،
لازم است نظر موافق اکثریت نمایندگان برای یک یک
آنها اخذ گردد. ریاست هیات وزرا و تدبیر هماهنگی
میان کارهای آنان و نیز نظارت بر اقداماتشان، با
رئیس جمهور است.^۷ همکاری رئیس جمهور و وزرا،
برنامه و خط مشی دولت را معین می کند. در واقع، آنان
هستند که قوانین را به اجرا درمی آورند. وزیر می تواند
در کابینه باقی بماند که با رئیس جمهور هماهنگ باشد
و نظرات او را اعمال نماید، و گرنه رئیس جمهور مستقیماً
و مستقلاً می تواند او را از وزارت عزل نماید. در عزل وزرا
تصمیم شخصی رئیس جمهور کافی است، ضمن آن که
مجلس هم می تواند با استیضاح و بدون جلب نظر
رئیس جمهور وزرا را برکنار سازد. بنابراین در گماشتن
وزیر در راس وزارتخانه، توافق رئیس جمهور و مجلس هر
دو لازم است، ولی در عزل آنها تصمیم هر کدام از دو
مرجع به تنهایی کفایت می کند.

بر طبق قسمت اخیر اصل صدوسی و پنج قانون اساسی،
رئیس جمهور می تواند برای وزارتخانه هایی که وزیر
ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست معین کند.
به این ترتیب، قانون اساسی تعیین سرپرست به جای وزیر
را به طور موقت پذیرفته است اما این پذیرش به این معنا
نیست که رئیس جمهور بتواند همواره تعدادی از
وزارتخانه ها را بدون وزیر و از طریق سرپرست اداره
نماید. در واقع تعیین سرپرست برای موارد استثنایی
است. مثلاً وزیر پیشنهادی رای اعتماد مجلس را
به دست نیارود و مدتی این امر به طول انجامد یا در
همان ابتدا رئیس جمهور نتواند برای تمامی وزارتخانه ها
وزیر معین نماید و یا در طول زمان وزیری عزل شود و در
انتخاب جانشین توافق بین رئیس جمهور و مجلس برای
مدتی به طول انجامد.

تفاوت وزیر با سرپرست وزارتخانه در این است که اولاً
سرپرستی موقت بوده و حداکثر دوره آن سه ماه است؛

تأیید سرپرست نیازی به رای اعتماد مجلس ندارد و در برابر مجلس مسئول نیست بلکه مسئولیتها متوجه خود رئیس جمهور است؛ ثالثا سرپرست در تصمیمات هیات وزیران مشارکت ندارد؛ به علاوه رئیس جمهور مجبور نیست حتما برای وزارتخانه سرپرست تعیین کند؛ یعنی می تواند تا تعیین وزیر جدید شخصا مسئولیت وزارتخانه را برعهده بگیرد.

همکاران رئیس جمهور در دولت چهار دسته اند: وزرا، معاونان، مشاوران و سرپرستان. از این چهار دسته تنها وزرا هستند که باید به مجلس معرفی شوند و نظر موافق اکثریت نمایندگان مجلس را اخذ کنند.^۸ نصب، عزل و تعویض معاونان، مشاوران و سرپرستان کاملا در اختیار رئیس جمهور است و مجلس در این زمینه ها حق دخالت ندارد. البته مجلس بر عملکرد این افراد نظارت می کند اما نسبت به نصب و عزل آنان نقش مستقیم ندارد.

برطبق اصل صد و بیست و چهار، رئیس جمهور می تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیات وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونتها را به عهده خواهد داشت. از این اصل چنین استفاده می شود که اولاً رئیس جمهور برای داشتن معاون مختار است و می تواند اساسا هیچ معاونی برای خود انتخاب نکند و همه وظایف قانونی را خودش انجام دهد و ثلثا می تواند معاونان متعددی را برگزیند و در این زمینه محدودیتی ندارد؛ ثالثا در صورت تعدد معاونان می تواند به هر کدام که مایل باشد عنوان معاون اول بدهد و چنین معاونی با موافقت رئیس جمهور اداره هیات دولت و ایجاد هماهنگی میان آنها را برعهده خواهد داشت؛ بنابراین اگر رئیس جمهور کسی را به معاون اولی انتخاب نمود، نمی تواند دیگری را مامور اداره هیات دولت نماید یا هماهنگی را به او سپارد. رئیس جمهور می تواند در موارد لازم با تعیین مشاوران متخصص از آنها نظر مشورتی بگیرد و این مشاوران حتی می توانند تصدی اموری را هم برعهده دار باشند. مشاوران نیز هیچ ارتباطی با مجلس ندارند. رئیس جمهور می تواند در امور خاص برحسب ضرورت با تصویب هیات وزیران نماینده یا نمایندگان ویژه ای را با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مزبور حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیات وزیران را خواهد داشت و بنابراین رئیس جمهور و هیات وزیران با مسئولیت خودشان می توانند اشخاصی را به کارهای خاصی مامور نمایند. طبعاً چنین شخصی باید محل اعتماد کامل آنان باشد؛ چراکه تصمیم آنها تصمیم دولت محسوب می شود. در این باب بحث بسیار است؛ به عنوان مثال، این نماینده چگونه و دارای چه سوابقی باید باشد و چه اموری را می توان به او سپرد. البته بدیهی است رئیس جمهور نمی تواند کار یک وزارتخانه را به نماینده ویژه واگذار کند. با این وجود انتخاب نماینده ویژه در مسائل مربوط به تصمیمات داخلی و نیز در سیاست خارجی و روابط با دیگر کشورها امکان پذیر است. استفاده از این اختیار در واقع می تواند نشانگر توانایی

رئیس جمهور در بهره گیری مناسب از استعداد افراد باشد. قانون اساسی مسئولیت برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده رئیس جمهور گذاشته و او مختار است رسماً این دو سازمان را عهده دار باشد و مدیریت نماید یا با مسئولیت خود اداره آنها را به شخص دیگری واگذار کند و این شخص ممکن است عنوان معاون رئیس جمهور را داشته باشد.

مهمترین، سنگین ترین و پردافعه ترین وظیفه رئیس جمهور، اجرای قانون اساسی است. این وظیفه همه وظایف دیگر رئیس جمهور را هم دربرمی گیرد. رئیس جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی و پی گیری و یا از راه هماهنگ ساختن اقدامات وزیران، اتخاذ تدابیر لازم، تسلیم لوائح قانونی مناسب به مجلس، تصویب آیین نامه ها، نصب و عزل افراد تحت مدیریت خود و نیز از طریق ارتباطی که با مقام رهبری، شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه دارد، می تواند نض قانون اساسی را در اختیار داشته باشد و این مسئولیت عظیم را با استفاده از همه امکانات مذکور به انجام رساند.

اجرای قانون اساسی تنها به قوه مجریه ارتباط ندارد بلکه قوه قضائیه و قوه مقننه نیز تکلیف دارند در چارچوب قانون اساسی عمل نمایند و وقتی رئیس جمهور این مسئولیت را به اتکای قانون اساسی عهده دار است، باید اعمال دو قوه دیگر را در چارچوب قانون اساسی مدنظر داشته باشد و در صورت توقف یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی و یا سواستنباط و انحراف از آن، فوراً وارد عمل شده و اشکال را برطرف نماید و اگر بنا به وجود پاره ای ابهامات به تفسیر قانون اساسی نیاز داشت، با استعلام از شورای نگهبان در رفع آن بکوشد. البته انتظار آن نیست که رئیس جمهور شخصاً این نظارت را در سراسر کشور اعمال کند، بلکه به تناسب تکلیف، رئیس جمهور باید نهاد سازمانی مجهزی در این خصوص داشته باشد تا این نهاد تصمیماتی را که از ناحیه مقامات عالی کشور (نهاد رهبری، مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مراجع عالی قضایی - نظیر دیوانعالی کشور) برخلاف قانون اساسی اتخاذ می شوند، فوراً به وی منتقل سازد. مسئولیت اجرای قانون اساسی برای رئیس جمهور مسئولیتی عام است و این مسئولیت با حیثیت و اعتبار مقام ریاست جمهوری بستگی پیدا می کند. اهمیت قانون اساسی ایجاب می کند رئیس جمهور به تناسب سوگندی که یاد کرده است، با اتخاذ تدابیر لازم در راستای استحکام قانون اساسی بکوشد و در هر کجا که لازم باشد، از اختیار قانونی و مسلم خود در راستای تذکر استفاده کند. کما آنکه مثلاً ممکن است در مجلس شورا طرحی داده شود که با قانون اساسی سازگار نباشد. البته در این موارد تکلیف قانونی برعهده شورای نگهبان است اما مسئولیت شورای نگهبان مانع از آن نیست که اگر رئیس جمهور لازم بداند، نتواند تذکراتی در این خصوص بدهد؛ چراکه اقدامات مجلس نیز به هر حال باید در راستای قانون اساسی باشد. به عنوان مثال، اگر

مجلس افرادی را به نمایندگی بپذیرد و اعتبارنامه آنها را تصویب کند، درحالی که انتخاب این افراد با نظارت شورای نگهبان نبوده و یا شورای نگهبان ابطال انتخابات آنها را اعلام کرده باشد، رئیس جمهور می تواند و باید در این خصوص مانع انحراف از قانون اساسی گردد؛ زیرا مسئولیت اجرای قانون اساسی مستقیماً با او است.

همچنین اگر رئیس قوه قضائیه بخشنامه ای صادر کند که با قوانین موجود مغایرت داشته باشد یا اگر اشخاصی را در راس دیوانعالی کشور و یا دیوان عدالت اداری و یا دیگر مراجع قضایی بگمارد که شرایط لازم پیش بینی شده در قانون اساسی را نداشته باشند، رئیس جمهور باید در مقام اجرای وظیفه خویش از چنین اعمالی جلوگیری نماید. این مسئولیت (اجرای قانون اساسی) باید مهم شناخته شود و تمام سطوح اجرایی، اداری و حتی قضایی باید این موقعیت را درک کنند و در این موارد رئیس جمهور می تواند از دیوان عدالت اداری نیز بهره گیرد.

برابر اصل صد و سی و سه، ریاست قوه مجریه - جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود - با رئیس جمهور است و طبق اصل صد و بیست و دو، رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی بر عهده دارد، در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است و بر طبق اصل صد و بیست و سه موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی، امضاء کند و آن را برای اجرا در اختیار مسئولین بگذارد.^۹ همچنین امضاء تمامی عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، موافقتنامه ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی، پس از تصویب مجلس شورای اسلامی، با رئیس جمهور و یا نماینده قانونی او است. استوارنامه سفیران جمهوری اسلامی را رئیس جمهور امضاء می کند و استوارنامه سفیران دیگر کشورها را نیز وی دریافت می نماید. سفیران به پیشنهاد وزیر خارجه و تصویب رئیس جمهوری معین می شوند و بالاخره اعطای نشانهای دولتی با رئیس جمهور است.^{۱۰}

رئیس جمهور وزیران را با معیارها و صلاحیتهای مدنظر خود تعیین می نماید. تنها محدودیت رئیس جمهور در مورد وزیر دادگستری است که باید او را از میان افراد پیشنهادی رئیس قوه قضائیه انتخاب کند. پیشنهاد رئیس قوه قضائیه ممکن است فقط دو نفر و یا بیش از دو نفر را - مثلاً ده نفر - شامل شود. هر چه تعداد افراد پیشنهادی رئیس قوه زیادتر باشد، طبعاً اختیار انتخاب از سوی رئیس جمهور نیز بیشتر خواهد بود.

قبول استعفای وزرا نیز با رئیس جمهور است. هر یک از وزرا در هر زمان دلخواه خود می تواند استعفا دهد. به هر دلیل شخصی و یا کاری ممکن است وزیر از ادامه همکاری استعفا نماید و در هر حال قبول آن با رئیس جمهور است. بدیهی است عدم پذیرش استعفای وزیر به این معنا نیست که او مجبور به ادامه خدمت خواهد بود. رئیس جمهور ممکن است با شرایط و ترتیباتی وزیر را با رضایت خودش به ادامه همکاری وادار

سازد؛ اما در این کار اجباری نیست. یک رئیس جمهور ممکن است بنابر سلیقه و روند کاری که در پیش می‌گیرد. کمتر به تغییر وزرا اقدام نماید و سعی کند حتی‌المقدور وظایف دولت را با همان اشخاصی که در ابتدا برگزیده شده‌اند، به آخر رساند اما رئیس جمهور دیگری ممکن است هر چند ماه یک‌بار به اصلاح دولت مبادرت ورزد و به عزل و نصب وزرا بپردازد. البته برای نصب وزرا کسب نظر موافقت مجلس الزامی خواهد بود؛ ضمن آن که گاه کسب موافقت مجلس ممکن است در چنین مواردی به حدی سخت باشد که او را از هر نوع تغییری بازدارد.

رئیس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که بر عهده دارد، در مقابل ملت، رهبر و مجلس مسئول است.

نظام مشروعیت می‌بخشد، حکم ریاست‌جمهوری را تنفیذ می‌کند و تا زمانی که رهبر از رئیس‌جمهور حمایت می‌نماید، رئیس‌جمهور می‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد، و لولاینکه مجلس از تمام اقتدارات خود علیه رئیس‌جمهور استفاده کند؛ چراکه نهایت قدرت مجلس اعلام عدم‌کفایت رئیس‌جمهور خواهد بود که صرفاً زمانی به عزل او منجر می‌گردد که مقام رهبری عزل را تایید نماید. البته مسئولیت رئیس‌جمهور در برابر مجلس نیز سنگین است؛ چراکه مسئولیت وزیران را نیز خود او برعهده دارد و مجلس می‌تواند با سوال و استیضاح و صدور رای عدم‌کفایت سیاسی برای رئیس‌جمهور، او را متزلزل سازد.

قانون اساسی رهبری را در راس هرم قدرت قرار داده و



سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه زیر نظر رهبری قرار گرفته‌اند. فرماندهی قوای مسلح در اختیار رهبر است. وسعت اقتدارات و اختیارات رهبری در چارچوب موازین اسلامی است. قانون اساسی پس از مقام رهبری رئیس‌جمهور را عالی‌ترین مقام رسمی کشور شناخته است و او را مسئول اجرای قانون اساسی دانسته و در راس شورایی عالی امنیت ملی قرار داده است. همانطور که گفتیم حکم ریاست‌جمهوری محتاج تنفیذ رهبری است. مسئولیت در برابر رهبری ایجاب می‌کند که در هر مورد، رهبر وی را مورد سوال و مواخذه قرار دهد، ارشاد نماید و یا احتمالاً موجبات برکناری او را فراهم سازد. امکان برکناری از دو طریق پیش‌بینی شده است:

وی در برابر مجلس مسئول اقدامات هیات وزیران خود نیز هست. مسئولیت رئیس‌جمهور در برابر ملت به این مناسبت است که با رای مستقیم ملت برگزیده می‌شود و مردم با اطمینانی که به گفته‌های او می‌نمایند او را مناسب تشخیص داده و به او رای می‌دهند. حال هرگاه رئیس‌جمهور نتواند به وعده‌های خود عمل کند و آنطور که باید وظایف خود را به انجام نرساند، عدم رضایت عمومی باعث عدم انتخاب مجدد او و سرانجام کنار گذاشته شدن وی از صحنه سیاست خواهد گردید. مسئولیت رئیس‌جمهور در برابر رهبر جنبه اجرایی بیشتری دارد. رهبر در قانون اساسی دارای مقام معنوی خاصی است و در واقع مرکز تجمع اقتدارات است، به

۱- از طریق مجلس با اعلام عدم‌کفایت سیاسی ۲. از طریق دیوانعالی کشور با محکومیت وی به عدم انجام وظایف. هر دو طریق نهایتاً در دست رهبری است و تا زمانی که برکناری مورد پذیرش رهبر قرار نگرفته است، رئیس‌جمهور باید به کار خود ادامه دهد. در موردی که مقام ریاست‌جمهوری فاقد رئیس‌جمهور باشد، با موافقت رهبر موقتاً معاون اول یا شخص دیگری عهده‌دار مسئولیت‌های ریاست‌جمهوری می‌شود. مصوبات شورایی عالی امنیت ملی که با ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود، با تایید رهبری قابلیت اجرا پیدا می‌کند.

رئیس‌جمهور با شورای نگهبان نیز ارتباط دارد؛ زیرا شورای نگهبان حافظ قانون اساسی و رئیس‌جمهور مسئول اجرای آن است. بسیاری مواقع رئیس‌جمهور در مقام اجرا به تفسیر شورای نگهبان نیاز دارد. وظیفه اجرا و وظیفه تفسیر، این دو نهاد را به هم پیوند می‌زند؛ به علاوه شورای نگهبان بر انتخابات ریاست‌جمهوری در تمام مراحل نظارت دارد و صلاحیت‌کننده‌های ریاست‌جمهوری را مورد رسیدگی قرار می‌دهد. همچنین قرائت سوگند که آخرین مرحله تکمیل انتخاب یک رئیس‌جمهور است، باید با حضور شورای نگهبان صورت پذیرد.

شورای نگهبان بر مصوبات قوه مجریه کنترل دارد و رئیس‌جمهور زمانی مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را امضاء می‌کند که مرحله تایید شورای نگهبان را طی کرده باشند. در مجلس خبرگان مربوط به نهاد رهبری. مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز در شورای عالی انقلاب فرهنگی ممکن است هم رئیس‌جمهور و هم اعضای شورای نگهبان عضویت داشته باشند. در شورای بازنگری قانون اساسی، این همکاری به نحو نزدیک موجود است. در شورای موقت رهبری، یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام به همراه رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه وظایف رهبری را در غیاب رهبر انجام می‌دهند.

ارتباط رئیس‌جمهور با مجلس شورای اسلامی بسیار نزدیک است. نمایندگان و رئیس‌جمهور هر دو برگزیده مستقیم ملت هستند و هر دو در برابر ملت مسئولند. رئیس‌جمهور در مقام اجرایی و مجلس در مقام تقنین قرار دارد. رئیس‌جمهور حق تعطیل کردن مجلس را ندارد اما مجلس می‌تواند تحت شرایطی مقدمات برکناری رئیس‌جمهور را با سوال و استیضاح فراهم سازد - برکناری قطعی البته با حکم رهبری است. ارتباط رئیس‌جمهور و مجلس پر دامنه و وسیع است. رئیس‌جمهور علاوه بر آن که چنانچه بخواهد می‌تواند در تمامی جلسات علنی مجلس شرکت کند، از حق تقاضای تشکیل جلسه غیرعلنی برای ایضاح مطالبش به نمایندگان برخوردار است. البته مجلس هم به نوبه خود می‌تواند جهت استیضاح رئیس‌جمهور، از او بخواهد تا در مجلس حضور یابد. وزیران رئیس‌جمهور تا زمانی که مورد اعتماد مجلس باشند، می‌توانند در پست وزارت باقی بمانند. مصوبات دولت که به تایید رئیس‌جمهور

می‌رسند و لازم‌الاجرا می‌شوند. باید ضمن ابلاغ عمومی، به اطلاع رئیس مجلس نیز برسند؛ تا اگر مجلس آنها را خلاف قوانین بیاید، با ذکر دلیل آنها را برای تجدیدنظر به هیات وزیران بفرستد. بالاخره رسیدگی به اتهام رئیس جمهور باید با اطلاع مجلس باشد. رئیس جمهور یکی از سه عضو شورای است که باید انتخابات ریاست جمهوری را در موارد خالی بودن این پست ظرف پنجاه روز پی‌گیری نمایند.

مصوبات کمیسیونهای مرکب از چند وزیر و تصمیمات هیات وزیران با تایید رئیس جمهور لازم‌الاجرا می‌شود. رئیس جمهور نیز همچون وزیرانش نمی‌تواند بیش از یک شغل دولتی داشته باشد و دارایی آنها باید قبل و بعد از خدمت به‌وسیله رئیس قوه قضائیه مورد رسیدگی قرار گیرد تا به ناحق افزایش پیدا نکرده باشد.

در اصل صدوسی و یک قانون اساسی موارد احتمالی خالی ماندن پست ریاست جمهوری چنین ذکر شده‌اند: «فوت، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده [باشد]...»

در موارد احتمالی بلاتصدی شدن پست ریاست جمهوری، معاون اول یا شخص دیگری به انتخاب مقام رهبری به‌عنوان جانشین انتخاب می‌شود و سپس شورای مرکب از رئیس مجلس، رئیس قوه قضائیه و معاون اول یا شخص دیگری که کفالت ریاست جمهوری را برعهده دارد، برای تسریع در انجام انتخابات ریاست جمهوری تشکیل می‌شود تا ظرف پنجاه روز انتخابات را به انجام رسانند.

بعضی از امور در زمان جانشین ریاست جمهور انجام‌ناشدنی است: استیضاح وزرا، عدم رای اعتماد به وزرا، تجدیدنظر در قانون اساسی و بالاخره همه‌پرسی. این امور صرفاً با حضور رئیس جمهور منتخب ملت قابل انجام هستند و در غیاب او نمی‌توان به این کارها اقدام کرد. در دوره جانشین ریاست جمهوری - که دوره‌ای کوتاه است - مجلس نمی‌تواند وزرا را استیضاح کند؛ هرچند استیضاح منجر به برکناری آنها نشود. در واقع قانون اساسی نخواسته است در زمان غیبت رئیس جمهور منتخب، ترکیب دولت تغییر نماید و به آشفته‌گی در انجام مسئولیتها بینجامد. در قانون اساسی، مواردی - غیر از موارد استیضاح - وجود دارد که از مجلس تقاضای رای اعتماد می‌شود. در این موارد نیز مجلس نمی‌تواند رای عدم اعتماد بدهد (موارد اصل ۸۷ و ۱۳۶ قانون اساسی). به هنگام تجدیدنظر قانون اساسی نیز باید رئیس جمهور منتخب، نه جانشین او، تصدی مقام را داشته باشد. در بازنگری قانون اساسی رئیس جمهور نقش دارد. برای تشکیل شورای بازنگری قانون اساسی، اقدام باید از سوی رئیس جمهور باشد. در صورت لزوم اصلاح قانون اساسی، انجام آن زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که رئیس جمهور منتخب مسئول امور باشد. در مورد همه‌پرسی - که از وظایف و تکالیف رئیس جمهور است - نیز عیناً باید همان کاری صورت پذیرد که در

مورد قوانین انجام می‌شود. ■

پی‌نوشت‌ها

۱- چهل اصل مذکور به شرح زیر می‌باشد:

۱- اصل ۶۰: اعمال قوه مجریه از جانب رئیس جمهور

۲- اصل ۶۸: توقف انتخابات مجلس در دوران جنگ با

پیشنهاد رئیس جمهور

۳- اصل ۶۹: تشکیل جلسه غیرعلنی مجلس بر حسب

تقاضای رئیس جمهور

۴- اصل ۷۰: حق شرکت رئیس جمهور و معاونان و وزیران

در جلسات علنی مجلس

۵- اصل ۸۷: تقاضای رای اعتماد رئیس جمهور از مجلس

برای وزرا

۶- اصل ۸۸: مسأله سوال نمایندگان از رئیس جمهور

۷- اصل ۸۹: استیضاح رئیس جمهور و رای به عدم کفایت

سیاسی وی

۸- اصل ۱۱۰: امضاء حکم ریاست جمهوری و تصمیم به عزل

وی از جانب رهبر

۹- اصل ۱۱۱: عضویت رئیس جمهور در شورای موقت

رهبری

۱۰- اصل ۱۱۲: شرکت رئیس جمهور در مجمع تشخیص

مصلحت نظام

۱۱- اصل ۱۱۳: رئیس جمهور در مقام ریاست قوه مجریه و

مسئول اجرای قانون اساسی

۱۲- اصل ۱۱۴: کیفیت انتخاب و مدت ریاست جمهوری

۱۳- اصل ۱۱۵: شرایط کاندیدای ریاست جمهوری

۱۴- اصل ۱۱۶: لزوم اعلام رسمی کاندیدایی

۱۵- اصل ۱۱۷: انتخاب با اکثریت مطلق رئیس جمهور

۱۶- اصل ۱۲۰: جهات تأخیر انتخابات ریاست جمهوری

۱۷- اصل ۱۲۱: مراسم سوگند ریاست جمهوری

۱۸- اصل ۱۲۲: مسئولیت رئیس جمهور در برابر ملت،

مجلس، رهبری

۱۹- اصل ۱۲۳: امضاء مصوبات مجلس و همه‌پرسی

۲۰- اصل ۱۲۴: امکان داشتن یک یا چند معاون

ریاست جمهوری

۲۱- اصل ۱۲۵: امضاء عهدنامه‌ها از جانب رئیس جمهور

۲۲- اصل ۱۲۶: مسئولیت برنامه و بودجه و امور اداری و اسلامی

۲۳- اصل ۱۲۷: انتخاب نماینده ویژه از جانب رئیس جمهور

۲۴- اصل ۱۲۸: اعزام سفیر و وصول نماینده سیاسی از جانب

رئیس جمهور

۲۵- اصل ۱۲۹: اعطای نشان دولتی

۲۶- اصل ۱۳۰: ادامه کار رئیس جمهور تا پذیرش استعفا از

جانب رهبر

۲۸- اصل ۱۳۲: محدودیت اختیارات مجلس در زمان

جانشین رئیس جمهور

۲۹- اصل ۱۳۳: وزرا، تعدادشان و ترتیب اخذ رای اعتماد از

جنب رئیس جمهور

۳۰- اصل ۱۳۴: ریاست هیات وزیران و مسئولیت مشترک

رئیس جمهور

۳۱- اصل ۱۳۵: نقش رئیس جمهور در زمان استعفای وزرا

و تعیین سرپرست برای وزارتخانه‌ها

۳۲- اصل ۱۳۶: عزل وزرا

۳۳- اصل ۱۳۷: مسئولیت وزرا، در برابر رئیس جمهور و مجلس

۳۴- اصل ۱۳۸: مصوبات کمیسیون مرکب از چند وزیر پس

از تایید رئیس جمهور

۳۵- اصل ۱۴۰: رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونین

۳۶- اصل ۱۴۱: منع داشتن دو شغل

۳۷- اصل ۱۴۲: رسیدگی به دارایی رئیس جمهور مثل دیگر

مقامات اجرایی

۳۸- اصل ۱۷۵: نظارت نمایندگان رئیس جمهور بر

صدوسیما

۳۹- اصل ۱۷۶: حضور فعال رئیس جمهور در شورایی

امنیت ملی

۴۰- اصل ۱۷۷: نقش رئیس جمهور در بازنگری

قانون اساسی

۴- برگزاری انتخابات، یک امر اجرائی است که باید یکی از

وزارتخانه‌ها عهده‌دار آن باشد و از آنجا که وزارت کشور در

سراسر ایران مامور و سازمان دارد، مسئول امنیت داخلی

است، تشکیلات نیروی انتظامی کشور (شهربانی و ژاندارمری

سابق) را زیر پوشش دارد و به لحاظ نوع کار و وظیفه با تمام

تشکیلات دولتی در تماس و ارتباط می‌باشد. لذا این بخش از

امور اجرائی به این وزارت محول شده که ضمناً سابقه طولانی

در انجام انواع انتخابات را در گذشته هم داشته و از تجربیات

وسعی برخوردار است. البته برگزاری انتخابات

ریاست جمهوری توسط وزارت کشور یک اصل قانون اساسی

نیست بلکه همانطور که با قانون عادی به عهده وزارت کشور

گذاشته شده ممکن است با تغییر قانون به‌عنده وزارت

دیگری گذاشته شود. بر طبق قانون عادی، در مرحله اول

وزارت کشور موظف است سه‌ماه قبل از پایان دوره چهارساله

ریاست جمهوری مقدمات اجرای انتخابات دوره بعد را فراهم

کرده و مراتب برگزاری انتخابات و تاریخ شروع ثبت‌نام

داوطلبان را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی به اطلاع عموم

برساند؛ زیرا مطابق اصل ۱۱۹ قانون اساسی که مقرر داشته

«انتخاب رئیس جمهور جدید باید حداقل یک‌ماه پیش از

پایان دوره ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد...» لذا

وزارت کشور نمی‌تواند منتظر بماند تا دوره‌ای از

ریاست جمهوری پایان یابد و سپس مقدمات انتخابات را

فراهم سازد، بلکه این تکلیف بایستی آن‌طور که قانون تعیین

کرده - یعنی یک‌ماه قبل از خاتمه مدت ریاست جمهوری قبلی

- مشخص شده باشد. این در صورتی است که مدت

ریاست جمهوری در جریان عادی چهارساله‌اش پایان یابد ولی

هرگاه انقضای ریاست جمهوری با فوت یا استعفا یا عزل و

نظایر آن همراه باشد، در این صورت مهلت وزارت کشور تا

انتخاب رئیس جمهور جدید پنجاه روز می‌باشد (اصل ۱۳۱).

دارد. از امکانات و کارکنان دیگر وزارتخانه‌ها، سازمانها، ادارات

دولتی، موسسات وابسته به دولت و نهادهای انقلابی تا خاتمه

انتخابات استفاده کند. صدا و سیما هم مکلف است برنامه‌های

آموزشی انتخاباتی را که وزارت کشور یا هیات مرکزی نظارت

منتخب شورای نگهبان ضروری تشخیص می‌دهد و

همچنین کلیه اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های مربوط به انتخابات را

از شبکه سراسری یا محلی پخش نماید. کلیه وزارتخانه‌ها،

سازمانها، ادارات دولتی و موسسات وابسته به دولت و نهادهای

انقلابی موظف‌اند نسبت به درخواست شورای نگهبان یا

هیاتهای منصوب آن شورا و وزارت کشور یا استانداران،

فرمانداران و بخشداران، کارکنان و سایر امکانات خود را در

اختیار آنان قرار دهند. هیات اجرایی انتخابات در هر

شهرستان به ریاست فرماندار و عضویت رئیس ثبت‌احوال و

دادستان یا نماینده او و هشت نفر از معتمدین تشکیل

می‌گردد (هشت نفر معتمد را سی نفر از معتمدان مورد تأیید

هیات نظارت دعوت شده از جانب فرماندار با رای مخفی

انتخاب می‌کنند). معتمدین دعوت شده باید دارای ایمان و

التزام عملی به اسلام و قانون اساسی و حسن شهرت باشند و

به وضع پیش‌بینی شده در ماده جهلم قانون، همچون ناظران

شورای نگهبان خوشاوندی نسبی و سببی با نامزدهای

ریاست جمهوری نداشته باشند. هیات اجرایی بخش هم به

همین ترتیب برگزیده می‌شوند.

هیاتهای اجرایی در همین مرحله محلهای استقرار شعب

ثبت‌نام و اخذ رای را معین و نه روز قبل از روز اخذ رای به

انتشار آگهی انتخابات مبارت می‌کنند این آگهی، تاریخ و

محل شعب و آنچه را که رای دهندگان باید مطلع باشند به آگاهی مردم می‌رساند. در سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای ایران در کشورهای خارج نیز هیات اجرایی با پنج نفر از ایرانیان مقیم آن کشور به انتخاب سفیر یا سرکنسول تشکیل می‌گردد.

۳- در مرحله دوم باید آمادگی و اظهار داوطلبی برای شرکت در انتخابات رسماً از طرف شخص داوطلب اعلام شود. ممکن است اهالی یک محله، شهر، استان و یا یک حزب، گروه و جمعیت در مقام معرفی کاندیدا برآیند اما این نوع معرفی هر چند با چندین دهه‌زار نفر امضاء همراه باشد، اعلام رسمی داوطلبی محسوب نمی‌شود بلکه اعلام نامزدی تنها زمانی اعتبار دارد که شخص داوطلب یا نماینده در مهلت پنج روز از تاریخ شروع دستور انتخابات به وزارت کشور مراجعه کرده و به ترتیبی که مقرر گردیده ثبت‌نام کند. وزارت کشور پس از پایان مهلت قبول داوطلبی، بلافاصله مدارک داوطلبان را به شورای نگهبان ارسال می‌دارد. وزارت کشور فقط مأمور ثبت‌نام و دریافت اسناد و مدارک مربوط به صلاحیت داوطلب برای ارسال به شورای نگهبان است و نمی‌تواند خود در مقام رسیدگی و اظهار نظر برآید. شورای نگهبان وضع داوطلب را با اصل صدپانزده تطبیق می‌دهد و اگر او را واجد شرایط تشخیص داد، وی را تایید می‌نماید و گرنه رد می‌کند. به هر حال وزارت کشور موظف است پس از وصول نظریه شورای نگهبان اسامی نامزدهای تایید شده را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی ظرف مدت دو روز به اطلاع مردم سراسر کشور برساند.

۴- در مرحله سوم تبلیغات، داوطلبانی که تایید شده‌اند می‌توانند به طرق مختلفی که قانون آن را مجاز شناخته، خود را معرفی کرده و آراء رای دهندگان را جلب نمایند. فعالیت تبلیغاتی کاندیدها از تاریخ اعلام اسامی افراد ذی‌صلاح به وسیله وزارت کشور شروع و تا بیست و چهار ساعت قبل از شروع اخذ رای ادامه می‌یابد. بنابراین باید گفت ترتیبی که اکنون کاندیدها عمل می‌کنند و از ماهها قبل از زمان اخذ رای به تبلیغات پرداخته‌اند، خلاف قانون است؛ لذا یا می‌بایست قانون اصلاح گردد و تبلیغات را از محدودیت زمانی خارج سازد و یا در راستای اجرای قانون از انجام این اقدامات توسط کاندیدها جلوگیری شود.

اگر کاندیدها سابق خدمتی و زمینه شناسایی مردمی داشته باشند، نیازی به تبلیغ ندارند اما قانون انتخابات با شرایطی و با محدودیتهایی کاندیدها را برای تبلیغ آزاد گذاشته و حتی رادیو و تلویزیون را براساس تنظیم برنامه و با وضعی مساوی در خدمت معرفی آنها قرار داده است. برای تضمین برخورداری یکسان از امکانات دولتی، کمیسیون به نام کمیسیون بررسی تبلیغات انتخابات در وزارت کشور با شرکت دادستان کل، وزیر کشور و مدیرعامل صدا و سیما یا نمایندگان آنها با نظارت نماینده‌های شورای نگهبان تشکیل می‌گردد. کمیسیون حق کنترل و سانسور تبلیغات داوطلبان را ندارد بلکه وظیفه آن تنظیم برنامه برای کاندیدها جهت استفاده از امکانات عمومی به نحو مساوی می‌باشد. محدودیتهایی که قانون در مورد تبلیغات در نظر گرفته است، به دو لحاظ حفظ حقوق عمومی و خصوصی می‌باشند. کاندیدها از امکانات و کارمندان دولت نمی‌توانند استفاده کنند و اوراق تبلیغاتی را نمی‌توانند به هر نقطه‌ای الصاق نمایند. مطبوعات و نشریات نیز برای حفظ حقوق نامزدها و جلوگیری از هتک حرمت و حیثیت آنها مکلف به رعایت موازینی هستند. وزارت ارشاد در این رابطه وظایفی پیدا کرده است. در مرحله تبلیغات چنانچه شورای نگهبان تخلفاتی را مشاهده کند که به صحت انتخابات خدشه وارد می‌سازد، انتخابات را متوقف و مراتب را به وزارت کشور اعلام می‌نماید. باین حال نه تنها در انتخابات گذشته بی‌آنکه نیازی باشد میلیاردها تومان خلاف موازین اسلامی و قانون اساسی بی‌آنکه هیچ ضرورتی باشد برای هزینه انتخابات صرف گردید، مع الوصف در این دوره نیز این رویه

در حال تکرار است.

۵- در مرحله اخذ رای با مهیا بودن مقدمات و شعب اخذ رای در داخل و خارج کشور تمامی ایرانیان با پانزده سال تمام سن بدون هیچ قید و شرطی می‌توانند مستقیماً از این حق سیاسی استفاده کنند و در هر جای دنیا می‌توانند رای خود را به نفع کاندید مورد نظر خود به صندوق بیندازند. بنابراین مسئولان اجرای انتخابات باید امکان رای دادن را در اختیار این جمع کثیر از ملت قرار دهند. انتخابات در یک روز به صورت مستقیم و عمومی و به صورت رای مخفی بوده و هر شخصی یک رای می‌دهد. فاصله دستور شروع انتخابات تا روز جمعه زمان اخذ رای سی روز می‌باشد. مأموران انتظامی موظف‌اند صندوقها را محافظت نمایند ولی دخالت در امر انتخابات نداشته باشند. پنج نفر از اعضای هر شعبه یک روز قبل از اخذ رای مهیای کار می‌شوند. شعب اخذ رای سیار هم وجود دارد تا به مناطق صعب‌العبور کوهستانی و مسافتهای دور و نقاطی که تشکیل شعبه ثابت ممکن نبوده بروند و رای مردم را بگیرند. در سفارتخانه‌ها و یا کنسولگریها و نمایندگیهای ایران در خارج رای از ایرانیان مقیم آن محل اخذ می‌شود. همان هیات پس از خاتمه اخذ رای و شمارش آراء نتیجه را با سریع‌ترین وسیله مخابراتی از طریق وزارت خارجه به وزارت کشور اعلام می‌دارد. هیات مرکزی نظارت شورای نگهبان صورت جلسه‌ها و گزارش هیاتهای نظارت سراسر کشور را دریافت می‌دارد. هیات مرکزی نظارت یا ناظرانی که در سراسر کشور بر کیفیت انتخابات نظارت دارند، در هر مورد که سوء جریان یا تخلفی را مشاهده کنند، موارد را کتباً تذکر خواهند داد. فرمانداران و بخشداران موظف‌اند بلافاصله براساس قوانین مربوطه نسبت به رفع اشکالات مطروحه اقدام کنند و چنانچه مسئولین وزارت کشور به نظرات آنها توجه نکنند، ناظران مراتب را به هیات مرکزی نظارت اعلام می‌کنند. شورای نگهبان در صورت اثبات تخلف، با ذکر دلیل، درخصوص ابطال یا توقیف انتخابات در سراسر کشور یا بعضی مناطق یا بعضی صندوقها تصمیم می‌گیرد. نظر شورای نگهبان قطعی و لازم‌الاجرا است و هیچ مرجع دیگری غیر از آن، حق ابطال یا متوقف کردن انتخابات را ندارد.

۶- آخرین مرحله انتخابات ریاست جمهوری به صدور اعتبارنامه می‌انجامد و بانوجه به وظایفی که شورای نگهبان دارد، صدور اعتبارنامه به عهده این شورا است. صدور اعتبارنامه به دنبال قرائت آرای حوزه‌های مختلف انتخاباتی و رسیدگی به شکایات و اعتراضات و ملاحظه گزارش هیاتهای نظارت صورت می‌گیرد. کسانی که از نحوه برگزاری انتخابات شکایت داشته باشند، می‌توانند از تاریخ اعلام نهایی صلاحیت داوطلبان تا دو روز پس از اعلام نتایج اخذ رای اعتراض خود را اعلام کنند. هیاتهای اجرایی موظف‌اند شکایات را دریافت و ظرف بیست و چهار ساعت در جلسه مشترک اجرایی و ناظران در شهرستان مربوطه به آن رسیدگی و نتیجه را صورت جلسه کرده به وزارت کشور اعلام دارند. شکایاتی که در جریان انتخابات به هیات اجرایی تسلیم می‌شود، مانع از ادامه کار انتخابات نمی‌شود. شکایان در ثبت شکایات باید خصوصیات خود را در شکوائیه منعکس کنند. هیات اجرایی پس از بررسی شکایات و گزارشات، چنانچه تشخیص دهد که انتخابات در یک یا چند شعبه از جریان عادی خارج شده و صحیح انجام نگرفته، با تایید شورای نگهبان انتخابات آن شعبه یا شعب را باطل اعلام می‌کند. شورای نگهبان هم که مرجع نهایی است، ظرف یک هفته و در صورت لزوم حداکثر ده روز پس از دریافت نتیجه انتخابات، نظر قطعی خود را نسبت به آن اعلام می‌دارد. اعلام نتایج رسیدگی به شکایات از اختیارات شورای نگهبان است. این نتیجه با اعلام صحت اعتبارنامه رئیس جمهور توسط شورا تهیه و با امضای اعضای شورا تقدیم مقام رهبری می‌گردد.

۷- ریاست رئیس جمهور بر هیات وزیران از نوع ریاست رئیس مجلس نیست که تأثیری در وضع نمایندگان من حیث

نمایندگی نداشته باشد بلکه رئیس جمهور می‌تواند وزیری را که برخلاف نظر او عمل می‌کند، عزل نماید. بنابراین وزراء باید خود را با خط مشی رئیس جمهور هماهنگ سازند. آنها در همان حال که مدیر یک وزارتخانه و سیاستگذار آن وزارتخانه هستند، نمی‌توانند نظرات رئیس جمهور را نادیده بگیرند و اگر بخواهند اقدامی کنند، باید آن اقدام خود را توجیه کرده و موافقت او را جلب نمایند. هماهنگی وزراء از طریق رئیس جمهور صورت می‌گیرد؛ یعنی نقطه اتصال امور وزارتخانه‌ها در دست رئیس جمهور است. وزارتخانه‌ها نمی‌توانند هریک راهی را طی کنند و آهنگی مخصوص به خود داشته باشند؛ زیرا تشتت و تفرق در کارها حاصل می‌شود. ریاست رئیس جمهور بر هیات وزیران و نظارت وی بر کار آنها و اتخاذ تدابیر از سوی او در جهت ایجاد همکاری، وحدت و هماهنگی لازم است.

۸- برابر آیین‌نامه داخلی مجلس رئیس جمهور ظرف دو هفته بعد از انجام مراسم تحلیف کتباً از طریق رئیس مجلس اسامی وزیران را به همراه شرح حال هریک و برنامه دولت تسلیم مجلس می‌نماید که بلافاصله دستور طبع و توزیع آن از جانب رئیس مجلس داده می‌شود. رئیس مجلس حداکثر سه جلسه علنی پنج‌ساعته را از اولین جلسه پس از گذشت یک هفته از معرفی وزراء به‌طور متوالی به بحث و بررسی خط‌مشی و اصول کلی برنامه دولت و هیات وزیران و اخذ رای اعتماد اختصاص می‌دهد و چنانچه فوریت و ضرورتی در کار باشد، با پیشنهاد پانزده نماینده و تصویب مجلس دو جلسه در یک روز انجام می‌شود. حداکثر بیست نماینده می‌توانند از پیش ثبت‌نام کنند و نظر موافق یا مخالف خود را نسبت به هریک از وزراء اعلام دارند. حداکثر مدت صحبت هر نماینده نیم ساعت و حداکثر مدت صحبت رئیس جمهور یا وزراء، پیشنهادی برای اداء مطالب، جواب سوالات و دفاع لازم دو جلسه پنج ساعته می‌باشد. سوالات نمایندگان، در طول مدتی که برنامه دولت مطرح است، از طریق هیات رئیسه کتباً به رئیس جمهور یا وزیر پیشنهادی ذریبط داده می‌شود. رئیس جمهور در شروع اولین جلسه مطالبی را که لازم بداند به مجلس ارائه می‌نماید و در آخر هر جلسه خود و یا وزیران پیشنهادی به جواب سوالات و ایرادها و دفاع خواهند پرداخت. رای اعتماد پس از آخرین صحبت رئیس جمهور و یا فردی که او تعیین می‌کند انجام می‌شود. برای کسب اعتبار، رای اعتماد اکثریت مطلق نمایندگان حاضر صاحب‌رای لازم است. رای اعتماد برای هر وزیر جداگانه اخذ می‌شود و چنانچه مجلس به یک یا چند وزیر رای اعتماد ندهد، رئیس جمهور موظف است ظرف پانزده روز فرد یا افراد دیگری را معرفی نماید.

۹- امضاء، قانون پس از تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان، از وظایف رئیس جمهور است. رئیس جمهور جزئی از قوه مقننه نیست تا در وضع قانون مشارکت داشته باشد بلکه به لحاظ ریاست قوه مجریه این وظیفه را دارا است که قوانین را پس از طی مراحل قانونی که قانون‌اساسی پیش‌بینی کرده، امضاء کند و در اختیار مأموران اجرایی بگذارد. وی برابر قانون عادی باید ظرف پنج روز قانون را امضاء کند. این قانون باید در روزنامه رسمی منتشر گردد و پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور قابلیت اجرا پیدا خواهد کرد. رئیس جمهور نمی‌تواند قانون مصوب و تأیید شده را امضاء نکند و اگر در این مورد تعلل نماید و در مهلت مقرر امضاء ابلاغ نکند، رئیس مجلس قانون را برای انتشار ارسال می‌دارد و چنین موردی بعد از اقدامات اولین رئیس جمهور، بنی صدر، تکرار نشده است.

۱۰- دخالت وزیر خارجه برای پیشنهاد، از آن جهت است که وی مسئولیت مستقیم روابط خارجی را عهده‌دار است و علی‌القاعده آگاهیهای لازم را نسبت به امور سفارتخانه‌ها دارد و اساساً تمام تشکیلات نمایندگیهای خارجی برعهده همین وزارت است. لذا مدونین قانون اساسی پیشنهاد افراد را برای تصدی سفارت بر عهده وزیر خارجه گذاشته‌اند و در هر حال بدون تصویب رئیس جمهور سفیری اعزام نمی‌شود.